

چند اثر داستانی که در آنها تصویر امام خمینی<sup>(ره)</sup> پررنگ است را مرور کرده‌ایم

# قصه مرد بت شکن

## روایت دلخواه پسری شبیه سمیر

قصه از آنجایی شروع می‌شود که پسری شبیه سمیر عکس امام خمینی(ره) را روی لباسش به جای سنجاق کردن می‌دوزد. او که شیفته و دلباخته امام است در جبهه‌ها حضور پیدا کرده ولی در یکی از عملیات‌ها وقتی مجروح می‌شود و چشم باز می‌کند خود را در خانه‌ای در عراق می‌بیند. ماجراهای کتاب زیاده است، ولی او پس از مرگش در وادی‌السلام نجف پای روایت‌های افرادی مختلف می‌نشیند تا از کسی که دوست دارد بشنود. محمدرضا شرفی خوشان در این رمان افراد مختلف را گرد هم آورده تا با زلی را شکل دهد که خروجی آن روایتی است دلخواه پسری شبیه سمیر که به جای سنجاق کردن عکس امام روی جیب پیراهن خاکی‌اش آن را دوخته است. این کتاب روایتی از مواجهه پسری شبیه سمیر با افراد گوناگون است که هرکدام ساعاتی یا مدت طولانی امام را دیده بودند و حالا وادی‌السلام و انتظار افراد در برزخ پس از مرگ موقعیت خوبی است تا روایت آنها به گوش سمیر برسد و خواننده نیز آن روایت‌ها را بخواند.



یونس فردوس

روزنامه‌نگار

## ارمیا

این رمان اولین اثر رضا امیرخانی است. روایت يك رزمنده را در این کتاب می‌خوانیم که اختلاف میان فضای شهر و جبهه را نتوانسته هضم کند و به همین خاطر رفتارهایش گاهی عجیب می‌شود. او حتی ترجیح می‌دهد شهر را ترک کند و به دل جنگل برزد. این رمان با وجود این‌که اولین قصه امیرخانی است، ولی یکی از کتاب‌های متفاوت در حوزه جنگ است. در این کتاب تصویری که امیرخانی با روایتش از مراسم تشییع پیکر امام خمینی(ره) بازسازی می‌کند در هیچ اثر داستانی دیگری دیده نمی‌شود. ازدحام جمعیت و خیل شیفتگان رهبر آزادگان جهان همه درکنار هم تصویری به یاد ماندنی را رقم زده که کارکرد آن از بسیاری از مستندهای تصویری بالاتر است و خواننده‌ای که آن روزها را ندیده با این بخش از روایت به طور کامل در ماجرای داستان قرار می‌گیرد.



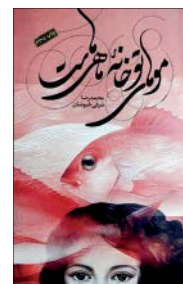
## ارتداد

تصویری که در این رمان از امام خمینی(ره) توسط وحید یامین‌پور به خواننده نشان داده شده تصویری شوکه‌کننده است. نسبتاً اغلب آنهایی که خوانده‌اند باورشان نمی‌شود و تصور می‌کنند راوی قصه خواب می‌بیند و به زودی از خواب بیدار می‌شود تا این کابوس به پایان برسد، ولی وقتی تا انتهای کتاب می‌رود متوجه می‌شود خبری از کابوس نیست و همه چیز در بیداری اتفاق افتاده است. هرچند وقتی کتاب را می‌بندد با خودش می‌گوید آخیش! خوب شد داشتم قصه می‌خواندم. امام خمینی(ره) در رمان یامین‌پور شب پیش از پیروزی انقلاب به دست عوامل پهلوی کشته می‌شود و انقلاب هیچ‌وقت پیروز نمی‌شود. این تصویر هرچند نسبتی با واقعیت ندارد، اما تلنگرهای اساسی به مخاطب می‌زند و موجب می‌شود تصویر امام در ذهن خواننده تثبیت شود.



## موهای تو خانه ماهی‌هاست

بسیاری قیام پانزده خرداد را سرآغاز سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی دانسته‌اند. محمدرضا شرفی خوشان در این رمان که مخاطب اصلی آن نوجوان‌ها هستند، قصه روز پانزده خرداد در ورامین و کشتار مردم کفن‌پوش این شهر را برای خواننده‌اش بازگو کرده است. راوی پسری نوجوان است که اتفاقات از زاویه دید او بازگو می‌شود و خواننده پا به پای او حرکت می‌کند. پیوند میان قیام پانزده خرداد و عاشورای سال شصت و يك هجری در این داستان با حضور يك شخصیت دیگر اتفاق می‌افتد. خوشان در این رمان تصویری از امام که مردم را به طغیان واداشته نشان می‌دهد تا در برابر فساد پهلوی ایستادگی کنند و برای ارزش‌های اسلامی کوتاه نیایند.



## سال‌های ابری

شاید باورکردنی نباشد ولی علی‌اشرف درویشیان در این رمان دوجلدی و بیش از هزار صفحه‌ای در بخشی از کتابش آنجا که راوی داستان با تصویری تازه روبه‌رو می‌شود درباره او سوال می‌کند و می‌گویند او رهبر و پیشوای مردم در پانزده خرداد است. درویشیان با وجود داشتن گرایش‌های چپ اما تصویری از امام خمینی(ره) ارائه می‌دهد که در نوع خود جالب است. او از زبان راوی امام را با صورتی نورانی و پیشانی بلند توصیف می‌کند و حتی به نقل از شخصیت‌های دیگر کراماتی برای امام بیان می‌کند که در نوع خود جالب است. همچنین از دعوی لفظی بین امام و شاه نیز سخن می‌گوید که در سند داشتن آن تردید وجود دارد، ولی نشان می‌دهد که عموم جامعه تا چه اندازه نسبت به شخصیت امام گرایش داشتند و به اطلاعات جزئی درباره او اشراف داشتند.



## پدر پسر روح...

ابراهیم حسن بیگی با استفاده از سبک نامه‌نگاری تلاش کرده از خلال روایت تاریخ به شخصیت امام خمینی(ره) بپردازد. این کتاب نامه‌های مادر به پسرش است که در آن به فعالیت‌های پدر پسر در مسیر پیروزی انقلاب اشاره می‌کند. تصویر امام خمینی(ره) در این اثر هرچند نه کامل ولی در روایت داستانی دیده می‌شود و تصویری از سیره شخصی امام را در رمان حسین بیگی می‌توان به نظاره نشست.

